

تحلیل و پاسخ به شبهه درگیری پیامبر اکرم ﷺ با یهود بنی قریظه

karimitabar4@yahoo.com

عزیز الله کریمی تبار / دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول دین قم

محمدعلی راغبی / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

m.akbarnezhad@ilam.ac.ir

مهدی اکبرنژاد / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۲ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

چکیده

در این مقاله، شبهه قتل عام یهود بنی قریظه توسط پیامبر اکرم ﷺ، واکاوی و تحلیل شده است. این پژوهش با تحلیل داده‌های تاریخی و قرآنی، به روش «فنی» به انجام رسیده و با ذکر دلایل و شواهد و نقد نظرهای گوناگون، اثبات گردیده که مردان جنگی قبیله مزبور به سبب خیانت، نفاق‌ورزی، شبهه‌افکنی، نقض پیمان مکرر، یاری دشمنان مشرک و تلاش برای نابودی نظام نوپای اسلامی، اعدام شده‌اند. البته آمار مبالغه‌آمیز تعداد کشته‌ها پذیرفته نیست. با این بررسی، جرم سنگین قریظیان و بی‌اعتباری مظلوم‌نمایی مخالفان در ادعای خشونت‌طلبی پیامبر اکرم ﷺ و بی‌گناهی طرف مقابل تبیین گردیده است. بدین‌روی می‌توان دستاویز تهاجم سنگین تبلیغی در این خصوص را از دست مخالفان گرفت و زمینه‌ای برای تعامل سازنده و همفکری بیشتر با پیروان دیگر ادیان فراهم آورد. علاوه براین، اخبار منابع کهن تاریخی درباره اسرای آنان، درست نیست؛ از جمله اینکه گفته شده: براساس مبنای روایتی تاریخی به شام کوچانده شده‌اند، رسیدن به کنه واقعیت آن، نیازمند پژوهشی گسترده و عمیق است.

کلیدواژه‌ها: بنی قریظه، یهود، پیامبر اکرم ﷺ کشتار جمعی.

مخالفان در تبلیغات وسیع خود، یهودیان مدینه و به ویژه بنی قریظه را مظلوم و بی گناه معرفی می کنند. در مقابل، مسلمانان و رهبر عظیم الشان اسلام ﷺ را وحشیانی خون آشام، نژادکُش و متعدی به جان و مال و ناموس یهود در عصر پیامبر اکرم ﷺ، جلوه می دهند.^۱ اهتمام این نوشتار بر تحلیل و ریشه یابی شبهه قتل عام بنی قریظه و تمییز سره از ناسره است تا هر انسان آزاده و حق جویی بتواند در این باره داوری کند.

انعکاس مبالغه آمیز برخورد با یهودیان، در طول تاریخ اسلام بهانه بزرگی به معارضان برای نمایش تصویری تاریک، خشن و ضدانسانی از احکام حیات بخش قرآن و اسلام منادی صلح و مهرورزی ارائه داده است. آنها در انواع رسانه های ارتباطی خویش، به شبهه پراکنی و قلب حقایق مشغول اند. از جمله، با گزینش بخشی از تاریخ صدر اسلام، تفسیر و تحلیل دلخواه و دستاویز قراردادن بعضی از گزارش ها درباره تعداد مقتولان و اسیران نبرد بنی قریظه، قرآن کریم را منبع خشونت، اسلام را دین شمشیر و پیامبر اکرم ﷺ را خون ریز، ضد حقوق بشر و نسل کش یهودیان نمایانده اند. اگر روشن شود که هرگونه برخوردی نه با عامه یهودیان یا همجواری مسالمت جو، بلکه با ستیزه جویانی معاند و پیمان شکن بوده است، چنین دستاویز بی اساسی از آنان گرفته خواهد شد.

منظور این نوشتار تحلیل و پاسخ به مهم ترین شبهه درگیری پیامبر اکرم ﷺ با یهود بنی قریظه است. شاید دشمنان قرآن و مخالفان جهاد اسلامی، به هیچ موضوعی در این حجم، نپرداخته اند. در پایگاه های اطلاع رسانی معاندان و تألیفات مستشرقان، با تعبیری تند به کشتار بنی قریظه فراوان دامن زده شده و حکم جهاد را وحشیانه برشمرده اند.^۲ این پژوهش در پی تبیین اصل موضوع و مذاقه و تحلیل کیفیت آن است.

به بیان مخالفان، بنی قریظه پیشنهاد ترک مدینه با دست خالی را دادند، ولی این درخواست حداقلی نیز پذیرفته نشد.^۳ یا گفته اند: قتل عام وحشیانه مردم عادی بنی قریظه، که با مسلمانان درگیر هم نشدند، چه ربطی به نقض عهد رئیس قبیله دارد؟^۴ چرا حضرت محمد ﷺ آشکارا به پیروان خود دستور داده بود که هرگاه به یهودیان دست یافتند، آنها را نابود کنند؟^۵

به منظور ابهام زدایی از شبهات موصوف، پاسخ گویی به چند سؤال ضروری می نماید: حادثه بنی قریظه در قرآن

۱. فؤاد کاظم المقدادی، الاسلام و شبهات المستشرقین، ص ۱۵۲؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ویلیام موتگمری وات، محمد فی المدینه، ص ۳۳۷.

۲. لورا واکسیا واکلری، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۳۳۱.

۳. ابن وراق، اسلام و مسلمانی، ص ۲۱۰.

۴. سهلا، نقد قرآن، ص ۸۴۹.

۵. ابن وراق، اسلام و مسلمانی، ص ۲۱۲.

چگونه تشریح شده است؟ داده‌های تاریخی در این خصوص، تا چه حد قابل اعتماد است؟ موافقان و مخالفان کشتار جمعی یهود، چه ادله‌ای دارند؟ و سرانجام اینکه دیدگاه صائب در این خصوص چیست؟

در طول ادوار گذشته، موضوع برخورد شدید با یهود بنی قریظه توسط علمای اسلام، تقریباً تلقی به قبول شده است. تنها با شدت یافتن هجمه تبلیغاتی معارضان اسلام و صهیونیسم جهانی در عصر کنونی بود که اندیشمندان مسلمان وادار به واکاوی موضوع و پاسخ‌گویی شدند. بعضی وقوع کشتار موصوف را تصدیق کرده و به دفاع از آن، برخاسته‌اند. برخی نیز بر آن ایراد گرفته و پذیرفتن به همین شکل را مغایر مبانی اسلام و دلایل عقلی و نقلی برشمرده‌اند. در اینجا، به چند نمونه، اشاره می‌گردد:

یکی از نویسندگان کشتار جمعی را تأیید کرده و به نقد دیدگاه مخالف پرداخته است. از معایب آن، اعتماد بیش از حد به داده‌های منابع تاریخی نخستین است.^۱ نگارنده‌ای هم به ذکر مهم‌ترین ادله دو طرف پرداخته است. نبود ارتباط مستقیم بخشی مهم از بحث با موضوع اصلی نوشتار موصوف (شبهات) و فقدان موضع‌گیری صریح، از عیوب آن به نظر می‌رسد.^۲

محقق نیز ضمن پاسخ‌گویی به ایراد چند تن از مستشرقان، گزارش‌های تاریخی این موضوع و از جمله کشتار جمعی یهود و فروختن جمعی از اسرا را پذیرفته است.^۳ پژوهش‌گری هم به تشریح مسائل و تحلیل دیدگاه‌های موافق و مخالف این کشتار جمعی پرداخته است. بیان نکردن تمام ادله و شواهد این قصه، از نقایص آن پنداشته می‌شود.^۴ عالمی هم به بیان استدلال دو گروه پرداخته و کشتار جمعی یهود را مردود دانسته است. نقد ادله مخالف از محاسن، و جامع نبودن شواهد و براهین اثباتی از نقایص آن به نظر می‌رسد.^۵

سیدجعفر شهیدی قراین خارجی را مغایر با کشتار جمعی بنی قریظه دانسته و آن را ناشی از جعل با انگیزه‌های مختلف دانسته است.^۶ رسول جعفریان به تشریح نبرد بنی قریظه به سبب خیانت‌شان و انجام آن به فرمان خداوند پرداخته و سرانجام تمام مردان جنگی آنان را کشته‌شدن دانسته است.^۷

سیدجعفر مرتضی عاملی به صورت مبسوط به تجزیه و تحلیل قضیه پرداخته،^۸ و ذکر آمار مبالغه‌آمیز برای کشته‌ها را ناشی از اغراض سیاسی یا تعصب مذهبی، به منظور نمایش قساوت اسلام و پیامبر آن نسبت به دشمنان،

۱. سیدعلی میرشریفی، نگرشی کوتاه به غزوه بنی قریظه (۲)، صص ۱۰۰-۱۱۷.

۲. همان.

۳. علی ناصر، العنفا الدینی فی سياسة الجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی قریظة (۱)، صص ۱۵۹-۱۷۸.

۴. مصطفی صادقی، یهود حجاز، صص ۱۵۴-۲۰۱.

۵. محمدعلی ایازی، تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر، صص ۱۲۰-۱۴۳.

۶. سیدجعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، صص ۸۹-۹۰.

۷. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا ﷺ، صص ۵۶۷-۵۷۰.

۸. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱۲، صص ۱۵۳-۱۵۹.

به‌ویژه یهود شمرده است.^۱ محمدهادی یوسفی غروی، تاریخ نبرد بنی قریظه را با ذکر نظرات مختلف آورده، ولی دیدگاه خود را در خصوص تعداد مقتولان یهودی این نبرد، بیان نکرده است.^۲

پژوهش حاضر ضمن جامعیت نسبت به تحقیقات پیشین و ارائه ادله و شواهد بیشتر در تبیین حادثه، به نکاتی اشاره کرده که در پژوهش‌های مشابه، کمتر مورد اهتمام بوده است؛ از جمله:

اول. اشاره به اینکه در یک نسخه کتابی از قرن سوم هجری، آمار کشته‌های بنی قریظه چهل تن ذکر شده است. دوم. محمدبن کعب قرظی مدعی نجات از اعدام به سبب کودک بودن در جریان اعدام اسرای بنی قریظه، سال چهارم هجری به دنیا آمده است.

سوم. ذکر نمونه‌هایی از حیای بی‌مثال امام علی علیه السلام در هنگامه حساس مصاف با دشمنانی همچون عمروبن عبدود، عمروبن عاص و بسر بن ابی اریطه برای اثبات عدم صحت دستور رؤیت زهار بعضی از یهودیان (به منظور تعیین بالغ‌های نوجوان برای اعدام جمعی)؛

چهارم. اثبات قریب هزار تن بودن تعداد مردان مسلمان و پرشمار نبودن تعداد یهودیان بنی قریظه به استناد شواهد تاریخی؛

پنجم. توجه دادن به احتمال جابه‌جایی در نقل اعداد به هنگام بیان نقل تاریخی؛ ششم. التفات به شگفتی احکام مترقی اسلام در مراعات حقوق حیوان - تا چه برسد به انسان - شاهد دیگر برخورد با مجرمان - نه بی‌گناهان - است.

هفتم. نقد قصه ابولبابه در جریان این داستان؛ هشتم. اشاره به روایت کوچاندن قبیله موصوف (منهای مقتولان) به شام (و نه فروختن آنان در نجد یا شام)؛ نهم. بیان ضرورت بررسی جامع و دقیق هر موضوعی از تاریخ صدر اسلام قبل از قبول و اعتماد بر آن؛ زیرا از آغاز اسلام تاکنون، عناصری از یهود و دیگر غیرمسلمانان معاند اهتمامی وافر در تغییر و تحریف تاریخ اسلام و خشن و غیرانسانی جلوه دادن احکام قرآن داشته‌اند.

روش تحقیق در این پژوهش، «کتابخانه‌ای» با تحلیل داده‌ها، و محدوده پژوهش ابهام‌زدایی از شبهه کشتار جمعی بنی قریظه با استفاده از منابع اسلامی است. نتیجه پژوهش این است که در رفتار با غیرمسلمانان، همواره اصل بر مهرورزی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده و شدت عمل و اعمال قدرت تنها در صورت ناگزیری انجام گرفته است. در این واقعه، مردان جنگی بنی قریظه به کیفر نقض پیمان در بدترین شرایط، همیاری دشمنان اسلام و محاربه با حکومت اسلامی، اعدام شدند؛ ولی برخی آمارهای مبالغه‌آمیز از تعداد بسیار زیاد معدومان پذیرفتنی نیست.

۱. همان، ص ۱۴۴.

۲. محمدهادی یوسفی غروی، موسوعة التاریخ الاسلامی، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۳۹.

دلایل موافقان و مخالفان کشتار بنی قریظه

علاوه بر نگرش تند معارضان اسلام، نگاه علمای مسلمان نیز دربارهٔ حادثهٔ بنی قریظه همسان نیست. غالباً معتقد به کشتار جمعی مردان آنان هستند، و دیدگاه بعضی نیز تنها اعدام سران این قبیله است. هر دو گروه برای اثبات نظر خویش، به دلایلی استناد جسته‌اند. پیش از تجزیه و تحلیل حادثه، نخست به عمده دلایل دو طرف اشاره می‌گردد:

دلایل موافقان

۱. این قبیله، در بدترین شرایط به مسلمانان، خیانت و نقض پیمان کردند.^۱ نزد عقلای عالم سزای چنین جرم بزرگی چیزی جز مرگ نیست. قبلاً به دنبال عداوت و بدعهدی یهودیان بنی قینقاع و بنی نظیر، به آنان اذن خروج از مدینه داده شد، ولی از نو اقدام به توطئه و خیانت علیه مسلمانان کردند. تکرار این کار ممکن بود به نابودی اسلام و مسلمان‌ها منجر گردد.^۲
۲. اینان قبلاً متعهد شده بودند که در صورت پیمان‌شکنی، خون‌شان هدر باشد و زن و فرزندان‌شان اسیر و اموال‌شان به تصرف درآید.^۳
۳. حکم سعد بن معاذ، بر اساس پیمان خودشان، علیه آنها صادر شد.^۴ وانگهی، این برخورد مطابق حکم تورات صورت گرفت؛^۵ چنان‌که قاعدهٔ فقهی «الزومهم بما ألزموا أنفسهم» و نیز سخن قرآن^۶ شاهد صدق این حکم است.^۷ چون داوری سعد به پیشنهاد خودشان بود،^۸ جای اعتراضی وجود ندارد.
۴. نظر به اهانت بنی قریظه به پیامبر ﷺ و همسران ایشان، حکم «ساب النبی» بر آنان جاری شده است.^۹
۵. تلقی به قبول علمای مسلمان از ادوار پیشین تا قرن بیستم نشان وقوع کشتار جمعی مردان این قبیله و صحت ماجرا است.^{۱۰}
۶. داعی و انگیزهٔ قابل اعتمادی به نظر نمی‌رسد که بعضی مسلمانان را به جعل این داستان واداشته باشد.^{۱۱}

۱. محمد واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ احزاب: ۱۰ و ۲۵.

۲. سیدمحمدحسین فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۲۹۱.

۳. فضل بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۱۱.

۴. علی ناصر، العنف‌الدینی فی سیاسیة الجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی قریظة (۱)، ص ۱۹۵.

۵. سفر تثنیه، ۲۰:۱۰.

۶. یوسف: ۷۵.

۷. محمدعلی ایازی، تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر، ص ۱۳۳.

۸. عزالدین ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۸۵.

۹. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۷۱.

۱۰. سیدعلی میرشریفی، نگرشی کوتاه به غزوه بنی قریظه (۲)، ص ۱۰۴.

۱۱. همان، ص ۱۰۶.

۷. روایات رسیده از ائمه اطهار^{علیهم السلام} در تأیید اعدام مردان بنی قریظه، دلیل درستی این حادثه است.^۱
۸. اشعار شاعران در این خصوص، از دلایل صحت آن محسوب می‌شود.^۲
۹. اگر ناراحتی مستشرقان و یهودیان موجب شود که ما حادثه را نپذیریم، باید دست از تمام اسلام برداریم؛ زیرا سراسر قرآن سرزنش و توبیخ آنهاست. کافران از تمام مطالب قرآن ما تنفر دارند.^۳

دلایل مخالفان

۱. عدم وثاقت راویان این حادثه؛^۴
۲. مغایرت داشتن گزارش تاریخی آن؛^۵ عدم اشاره امام علی^{علیه السلام} در خطبه‌ها و نامه‌ها به این موضوع؛^۶
۳. اضطراب گزارش‌های منابع تاریخی در باب چگونگی پایان کار بنی قریظه؛^۷
۴. ترسیم چهره‌ای مظلوم از یهودیان در طول تاریخ؛^۸
۵. منحصر به فرد بودن این اتفاق در تاریخ صدر اسلام؛^۹
۶. ناسازگاری این داستان با عقل و عرف؛^{۱۰}
۷. مغایر با عقل و نقل بودن حدیث منسوب به پیامبر رحمت^{صلی الله علیه و آله} مبنی بر وجوب کشتن هر یهودی؛^{۱۱}
۸. تشابه داستان کشتار بنی قریظه با چند حادثه مشابه در تاریخ یهود؛^{۱۲}
۹. مغایرت این شیوه خشن با سیره رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} در برخورد با دیگر قبایل یهودی.^{۱۳}

-
۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ص ۴۳۷-۴۳۸.
 ۲. اسرائیل ولفسون، تاریخ‌الیهود فی بلادالعرب فی الجاهلیة و صدرالاسلام، ص ۱۵۵.
 ۳. سیدعلی میرشریفی، نگرشی کوتاه به غزوه بنی قریظه(۲)، ص ۱۰۵.
 ۴. محمدابن حبان، دائرةالمعارف العثمانیة، ج ۷، ص ۳۸۳.
 ۵. علی ناصر، العنفاالدینی فی سیاسیةالجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی قریظة(۱)، ص ۱۶۳.
 ۶. محمدعلی ابازی، تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر، ص ۱۳۸.
 ۷. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۹۵.
 ۸. کارن آرمسترانگ، محمد^{صلی الله علیه و آله} زندگی‌نامه پیامبر اسلام، ص ۲۸۱.
 ۹. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۷۷.
 ۱۰. علی اکبر علیخانی و همکاران، سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راهبردها، ص ۲۸۵-۲۸۹.
 ۱۱. عزالدین این‌اثر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۴؛ علاءالدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال، ج ۱۸، مرشد، ح ۳۷۵۳۳/۱۳.
 ۱۲. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۸۱.
 ۱۳. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ص ۲۱۶.

بررسی و تحلیل حادثه

اکنون با طرح دلایل و شواهد عقلی و نقلی، موضوع را بررسی و تحلیل می‌کنیم تا زمینه دآوری منصفانه برای افراد خردورز و آزاداندیش مهیا گردد. تحلیل مطالب و پاسخ‌ها در قالب عناوین ذیل می‌گردد:

۱. عدم وثاقت راویان

بعضی تردید نخست و مهم در صحت این موضوع را به اسناد آن برمی‌گردانند. گفته‌اند: بعضی از راویان کشتار بنی قریظه، فرزندان یهودی‌های مدینه بوده‌اند. *ابن اسحاق* از آنها اخذ کرده و به سبب نقل برخی روایات، مورد اعتراض علمایی همچون *مالک* قرار گرفته بود.^۱ قابل ذکر است که نام‌برده از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و از آن حضرت و از امام باقر علیه السلام روایت نقل کرده است.^۲

همچنین گفته‌اند: وجود دو یهودی مسلمان شده (*محمد بن کعب* از بازماندگان یهودیان مدینه که بعداً اسلام آوردند و عطیة قرظی از خاندان *زبیر بن باطا* عضو برجسته بنی قریظه)، در سلسله سند بسیاری از روایات آن، مانع پذیرش این حادثه می‌شود.^۳ وانگهی *محمد بن کعب قرظی* که در سلسله اسناد داستان بنی قریظه قرار دارد، به قصه‌گویی شهرت دارد^۴ که خود موجب تردید در صحت ماجرا می‌شود.

یعقوب بن شبیه، درباره *محمد بن حمید* از راویان *ابن اسحاق* گفته است: زیاد حدیث منکر نقل می‌کرد. از نظر بخاری، در او اشکال است، و *نسایی* نیز وی را قابل اعتماد نمی‌دانست.^۵ *ابن شهاب زهری*، از دیگر راویان *ابن اسحاق* نیز از دیدگاه *شافعی*، *دارقطنی* و مانند آنها، اهل تدلیس بوده است.^۶

بعضی گفته‌اند: زهری در خدمت گروه جعل حدیث دربار بنی امیه بوده است.^۷ *عمر بن عبید* او را به عنوان «*منذیل الأمرء*» (دستمال پادشاهان) توصیف نموده (یعنی با جعل حدیث گندکاری آنها را پاک می‌کرده) است.^۸ از دیگر راویان *ابن اسحاق*، *هشام بن عروه* است که او را از تدلیس کنندگان شمرده‌اند.^۹ یادآوری می‌شود که نام‌برده اخیر از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و ناقل روایت از آن حضرت است.^{۱۰} نکته مهم

۱. محمد بن سعد الطبیقات الکبری، ج ۶ ص ۲۵۶؛ محمد بن حبان، *دائرة المعارف العثمانیة*، ج ۷، ص ۳۸۰-۳۸۳؛ جلال الدین سیوطی، *أسماء المدلسین*، ص ۱۰۰.

۲. سید ابوالقاسم موسوی خوئی، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ۱۵، ص ۷۴.

۳. محمد بن حبان، *دائرة المعارف العثمانیة*، ج ۷، ص ۳۸۳.

۴. محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۵، ص ۳۴۰.

۵. محمد ذهبی، *الکاشف فی معرفة من له روایة فی الکتب السنن*، ج ۲، ص ۱۶۶.

۶. احمد ابن حجر عسقلانی، *تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس*، ص ۴۵؛ محمد ابن الوزیر، *المواصم و التواصم فی الذب عن سنة ابي القاسم*، ج ۸، ص ۲۲۷؛ حسن السقاف، *تناقضات الالبانی الواضحات فیما وقع له فی تصحیح الاحادیث و تضعیفها من أخطاء و غلطات*، ج ۳، ص ۳۳۶.

۷. علی ابن عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۴۲، ص ۴۲۸.

۸. همان، ج ۵۵، ص ۳۷۰.

۹. جلال الدین سیوطی، *أسماء المدلسین*، ص ۱۰۰.

۱۰. سید ابوالقاسم موسوی خوئی، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ۱۹، ص ۲۰۷.

اینکه در روایات تاریخی، برخلاف روایات فقهی، دقت زیادی در موقوف بودن راویان صورت نمی‌گرفته است. شاید نتوان به صرف عدم وثاقت تعدادی از راویان یک حادثه تاریخی، منکر وقوع آن شد؛ از جمله در موضوع بحث که تردیدی در اصل وقوع آن به‌نظر نمی‌رسد.

۲. مغایرت تاریخی

الف. از نکات تردیدنا، اختلاف در ذکر تعداد مقتولان است تا سیزده قول تاریخی ذکر شده است؛^۱ از جمله: ۴۰؛ ۷۰؛ ۱۰۰؛ ۴۰۰؛ ۴۵۰؛ ۶۰۰؛ ۷۰۰؛ ۸۰۰؛ ۹۰۰؛ ۱۰۰۰ و ۱۱۴۰۰ نفر نیز گفته‌اند. چنین تفاوتی شگفت، درستی این گزارش‌های تاریخی را با ابهام جدی مواجه می‌سازد.^{۱۲}

به باور برخی محققان، این کثرت آراء ساختگی، نشانه دخالت انگیزه‌های سیاسی یا تعصب دینی با هدف نسبت دادن قساوت به اسلام و پیامبر اکرم ﷺ در رابطه با دشمنان، به‌ویژه قوم یهود، است.^{۱۳} به یقین، این کثرت اختلاف آراء در خصوص تعداد مقتولان حادثه موصوف، نمی‌تواند تصادفی باشد. ولی هر انگیزه‌ای هم در آن دخیل باشد، مانع پذیرش اصل کشتار مردان جنگی این قبیله نمی‌گردد.

ب. به علاوه بر اختلاف زیاد آمار، گفته‌اند: درباره معدود تمام این ارقام نیز اختلاف وجود دارد. بعضی این عددها را مربوط به جنگ‌جویان بنی‌قریظه می‌دانند و برخی مربوط به همه مردان. بعضی نیز اینها را آمار کشتگان آنان دانسته‌اند. بدین‌سان، گزارش تاریخی آن را تردیدآور و نامطمئن شمرده‌اند.^{۱۴} در پاسخ، گفته می‌شود که اختلاف معدود به مفهوم عدم وقوع اصل ماجرا نیست.

ج. اگر چنان کشتار عظیمی واقعیت داشت، به یقین مشرکان و منافقان ساکت نمی‌نشستند و همچون موضوع

۱. علی‌ناصر، العنفاالدینی فی سیاسیةالجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی‌قریظة(۱)، ص ۱۶۳.

۲. ابن‌نحویة، الاموال، ص ۱۲۳.

۳. اصغر منتظرالقائم، تاریخ اسلام تا سال چهل هجری، ص ۲۰۰.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۶۹.

۵. قاسم ابوعبیده، الاموال، ص ۱۷۳.

۶. محمد ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۰۰.

۷. محمد طبری، تاریخ‌الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۸. مصطفی صادق، یهود حجاز، ص ۱۸۵.

۹. محمدین محمدین نعمان مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۱۱.

۱۰. عبدالحمید ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۱۱. محمد نصیری، معرفی و نقد کتاب زندگی‌نامه پیامبر اسلام ﷺ، ص ۳۹۳.

۱۲. مصطفی صادق، یهود حجاز، صص ۱۸۴-۱۸۵.

۱۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۱۴. مصطفی صادق، یهود حجاز، ص ۱۸۵.

جنگیدن/بن جحش در ماه حرام، آتش زدن نخل‌ها در نبرد با بنی‌نضیر و ازدواج پیامبر ﷺ با همسر پسرخوانده‌اش، جنجال به‌پا می‌کردند.^۱ در خصوص بنی‌قریظه، آنچه در منابع تاریخی تصریح شده، کشته شدن رؤسای آنان است. مورخان، از حی بن‌اخطب و کعب بن‌اسد و چند تن دیگر، که مسئول اصلی واقعه؛ (یعنی: پیمان‌شکنی و ایجاد بحران در مدینه) بودند، نام برده‌اند.

نگارنده کشتار عظیم را قبول ندارد، ولی معتقد است: کشتار مردان جنگی آنان صورت گرفته است. علاوه بر این، جنجال مشرکان و منافقان بر سر این موضوع، یک مطلب، و نرسیدن آن به ما مطلب دیگری است. کسی منکر نیست که اخبار همهٔ امور آن مقطع تاریخی مو به مو، منعکس نشده و همهٔ آنها به ما نرسیده است.

همچنین این برخورد رسول خدا ﷺ با آنان به لحاظ ارسال سلاح^۲ و آذوقه توسط آنها برای سپاه احزاب، امری طبیعی است،^۳ به‌ویژه آنکه به سبب پیمان‌شکنی و خیانت در هنگام جنگ خارجی و تهدید امنیت داخلی شهروندان انجام گرفته است.^۴ مجرمان جنگی و معدوم بنی‌قریظه نیز به‌منزلهٔ افعی بودند که بر فرض رهایی با لحاظ تجربیات پیشین، تهدیدی قطعی برای دولت اسلامی به حساب می‌آمدند.^۵

بنی‌قریظه با اینکه تحت حمایت اسلام و در داخل مدینه بودند، اما در خفا با مشرکان پیمان بستند و عزم کردند به مسلمانان ضربه بزنند. برخورد سخت و خشن پیامبر اکرم ﷺ با آنان بدین سبب بود.^۶

نکته مهم این است که اگر بنی‌قریظه به پیمان خود با پیامبر ﷺ وفادار می‌ماندند، پیوسته به زندگی آرام خود ادامه می‌دادند. ولی یهودیان حقوق مسلمانان را به رسمیت نشناختند و دست از توطئه علیه آنان برنداشتند.^۷ یکی از ویژگی‌های نفاق مخلوط کردن حق و باطل و ایجاد شبهه برای افراد غیر خیره است.^۸

یهود مدینه تلاش‌های زیادی برای تخریب شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و صحابهٔ ایشان داشتند.^۹ همچنین بنی‌امیه تلاشی گسترده در تحریف تاریخ و سنت شریف نبوی، به‌عمل آوردند. از این گذشته، مسائل بسیاری را کفار به دروغ آفریندند و آن را به سنت رسول اکرم ﷺ و تاریخ اسلام وارد کردند.^{۱۰}

۱. همان، ص ۸۹

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۳۲ و محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۹.

۴. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۹۱.

۵. علی ناصر، العنفا الدینی فی سیاسه الجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی قریظه (۱)، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۶. محمد هادی یوسفی غروی و محمد رضا جباری، سیره نبوی و علوی در برخورد با نفاق، ص ۱۵.

۷. محمد حسین مهوری، خشونت آخرین راهکار اسلام، ص ۹۲.

۸. محمد هادی یوسفی غروی و محمد رضا جباری، سیره نبوی و علوی در برخورد با نفاق، ص ۱۴.

۹. علی جدید بنات، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، ص ۷۶-۷۸.

۱۰. سید جعفر مرتضی عاملی، شبهات یهودی، ص ۷۹: سید مرتضی عسکری، «آیات شیطانی» ادامهٔ ستیز فرهنگی میان اسلام و دشمنان

یکی از محققان غربی مقصود مطالعات خاورشناسی مستشرقان را این می‌داند که در میان طبقه نوری و بالغ، تا جایی که ممکن باشد خطاها و اشتباهاتی ایجاد کنند و بذر شک و تردید و مغلطه و شبهه بپاشند.^۱

بدین‌سان، در ماجرای بنی‌قریظه نیز احتمال دخل و تصرف به نظر می‌رسد. برای نمونه، کشف بیش از ۱۵۰ صحابی ساختگی در تاریخ اسلام،^۲ عمق فاجعه و پذیرش احتمال وجود جعل در تاریخ این داستان را باورپذیر می‌سازد. به‌ویژه اینکه در عصر بعضی از خلفای نخستین سه‌گانه و در حکومت اموی، به نحو رسمی برای دانشمندان یهودی و مسیحی در مساجد، کرسی می‌گذاشتند تا مطالب و احادیث بنی‌اسرائیل را برای مردم بیان کنند. به‌طور طبیعی، پس از این ماجرا، فکر، عقیده، فرهنگ و اندیشهٔ اسرائیلی در میان مسلمین رواج یافت. این جریان در طول مدت ۱۳۰ سالهٔ منع نقل احادیث نبوی ادامه داشت.^۳

هم‌اکنون نیز عالم اسلام از آن خیانت بزرگ دیرینهٔ فرهنگی به‌شدت رنجور است؛ چنان‌که قصهٔ غم‌بار تفرقه‌افکنی، مسلمان‌کشی و ارتکاب جنایات دهشتناک گروه‌های تکفیری سلفی و هابی به نام «اسلام»، گوشه‌ای از بازتاب آن تراژدی جانکاه است.

د. از جمله موضوعات تردیدزاه، اضطراب‌گزارش‌های منابع تاریخی در باب چگونگی پایان کار بنی‌قریظه است؛ چنان‌که مطابق برخی منابع، سعد به‌عنوان حکم انتخاب شد. طبق برخی دیگر از منابع، او تنها با این حکم موافقت می‌کند و در برابر اعتراض اوسیان از آن دفاع نمود. همچنین در باب کیفیت قتل بنی‌قریظه نیز اختلاف زیادی وجود دارد. علاوه براینکه همسانی هم در معدود وجود ندارد. بعضی مردان بنی‌قریظه، بعضی جنگ‌جویان و برخی هم کشته‌های آنان را این تعداد می‌دانند.^۴ با این حال، امکان انکار اصل اتفاق وجود ندارد.

و. ترسیم چهره‌های مظلوم از یهودیان، از نکات مهم و تردیدآور این داستان ذکر شده است. به نظر بعضی، در طول تاریخ، دستی در کار بوده است که یهودیان را از سال‌های پیش از میلاد تا قرون حاضر، همیشه ستم‌کش و در عین حال، شجاع و راسخ در عقیده نشان دهد. آمار شگفت‌انگیز این کشتارها، که بیشتر به صورت اعدام دسته‌جمعی گزارش شده است و حتی توصیف‌کننده و سرور بعضی از آنان در لحظهٔ اعدام، به‌شدت احتمال جعل و دست‌کم تحریف را به ذهن متبادر می‌سازد.^۵

یهودیان کوشیده‌اند آمار کشته‌های خود و چگونگی کشته شدن آنان را به‌صورتی جلوه دهند که نشان‌گر مظلومیت و مقاومت آنان در راه عقیده و ایمان باشد! برای مثال، دربارهٔ مقتولان یهود در جنگ جهانی دوم، آمارها

۱. مریم جمیله (مارگرت)، خاورشناسی و توطئه خاورشناسان، ص ۳۰۱.

۲. سیدمرتضی عسکری، «آیات شیطانی» ادامهٔ ستیز فرهنگی میان اسلام و دشمنان آن، ص ۱۷.

۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، شبهات یهودی، ص ۷۹.

۴. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۹۵.

۵. محمد واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۱۷؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۲؛ کارن آرمسترانگ، محمد ﷺ زندگی‌نامه پیامبر

بسیار متفاوت و اغراق آمیز است؛ از ۶ میلیون تا ۹ میلیون تن گفته‌اند.^۱ به نظر می‌رسد یهودیان در طول تاریخ، به‌ویژه در لباس مستشرقان و اسلام‌شناسان غربی، به مظلوم‌نمایی پرداخته و چنین گزارش‌های غیرواقعی را جعل یا بزرگ‌نمایی کرده‌اند.^۲

هدف از تزویرهای تاریخی در نصوصی مانند قهرمانی *نباثه* و *زبیرین باطل* برای استقبال شجاعانه از مرگ در قصه بنی قریظه،^۳ کسب فضایی مانند عزت، کرامت و شجاعت برای یهودیان است. وانگهی، برای آن است که بتوانند پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان را بی‌رحم، جانی و خون‌ریز نشان دهند.^۴

ز. بعضی مدعی صدور فرمان نابودی تمام یهود (اعم از بنی قریظه و غیر آنان) بوده‌اند.^۵ مستند آنان، ذکر حدیثی منسوب به پیامبر رحمت ﷺ، مبنی بر وجوب قتل هر یهودی است.^۶

در پاسخ، گفته می‌شود: اولاً، تعارض محتوا با عقل و شرع، بطلان آن را بدیهی می‌نمایاند. ثانیاً، اقامت یهودیانی در مدینه پس از واقعه بنی قریظه، شاهی بر کذب مدعی مزبور و خالی شدن مدینه از یهودی است.^۷ حتی زمان پیامبر اکرم ﷺ در مدینه بزرگانی از یهود مانند *عبدالله بن صائد*، بر دین خود باقی ماندند.^۸ سال هفتم هجری تعدادی از یهودیان مدینه، که پیمان خود را نقض نکرده و هنوز در مدینه مانده بودند، گروهی مسلمان را از رفتن به خیبر منع می‌کردند.^۹ همچنین، سال نهم هجری منزل *سویلم یهودی* در مدینه مرکز تجمع و توطئه منافقان بود.^{۱۰}

ج. تفاوت آمار منابع تاریخی، از دیگر موضوعات تردیدآور است. شبیه‌بودن دوعدد با هم گاهی موجب بروز اشتباه گردیده و به‌جای هم در تاریخ ثبت شده‌اند:

اول. منابع تاریخ اسلام رقم سربازان بیت‌المال را، که در *نبرد طلحه* و *زبیر با عثمان بن حنیف* در بصره کشته شدند، به دو گونه ۴۰ تن^{۱۱} و ۴۰۰ تن نوشته‌اند.^{۱۲}

۱. روزه گارودی، تاریخ یک ارتداد، ص ۱۶۹-۱۸۶.

۲. محمد نصیری، معرفی و نقد کتاب زندگی‌نامه پیامبر اسلام، ص ۳۹۵؛ دوید دوک، برتری طلبی قوم یهود، ص ۲۹۹.

۳. عبدالملک ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴. سیدجعفر مرتضی عاملی، *الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ*، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

۵. ابن وراق، اسلام و مسلمانی، ص ۲۱۲.

۶. عزالدین ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۱۲۴؛ علاءالدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۸، مرشد، ح ۳۷۵۳۳/۱۳.

۷. علی ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۳۴۰.

۸. احمد ابن حجر عسقلانی، *تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس*، ج ۵، ص ۱۴۸.

۹. محمد عابدی، *کارشکنی‌های یهود در مضاف با حکومت نبوی*، ص ۳۴.

۱۰. عبدالملک ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۵۱۷.

۱۱. یوسف ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۱، ص ۳۶۸.

۱۲. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۹، ص ۳۲۱.

دوم. بعضی مورخان تعداد همراهان /یوموسی و عمروعاص در دومة الجندل را ۴۰۰ تن از هر طرف^۱ و بعضی ۴۰۰۰ تن نوشته‌اند.^۲

سوم. برخی تعداد همراهان مدنی امام علی علیه السلام در نبرد جمل را ۴۰۰ تن،^۳ و بعضی ۴۰۰۰ تن، برشمرده‌اند.^۴ چهارم. بعضی آمار تلفات اصحاب امام علی علیه السلام در نبرد جمل را ۵۰۰ تن،^۵ و برخی ۵۰۰۰ تن گزارش کرده‌اند.^۶ ط. از دیگر مواضع تأمل برانگیز این قصه، ماجرای /بولبابه است. گفته‌اند: با شدت یافتن محاصره بنی قریظه، یهودیان درخواست ملاقات نام برده و مشاوره با وی را داشتند که پذیرفته شد. /بولبابه در پاسخ سؤال از نتیجه سلیم، به گلوی خود (ذبح شدن) اشاره کرد و فوراً هم نادم گردید و با مراجعه به مسجد، خود را به ستون بست.^۷

بعضی نویسندگان گفته‌اند: یهودیان و اعوان و انصار اموی آنان داستان را به نحوی ترتیب داده‌اند روایت ساختگی را با تحریف روایت /بولبابه، همراه سازند؛ زیرا بعید می‌دانند که این فرد به یهودیان قتل و کشتار آنان را خبر دهد؛ زیرا او و یهود و غیر آنان می‌دانستند که منش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اسپرکشی نیست.^۸ به‌باور صاحب این دیدگاه، توطئه‌ای سری و هدفمند در کار بوده است تا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سعد بن معاذ را متهم سازند که عامل کشتار اسیران بوده‌اند!^۹ جعفر مرتضی عاملی نیز روایت تاریخی نقش /بولبابه در نبرد بنی قریظه را قابل قبول نمی‌داند.^{۱۰}

بعضی اهل نظر معتقدند: با لحاظ تعارض روایات در این موضوع، نمی‌توان به گفته هیچ مورخ یا مفسری تکیه کرد و شأن نزول خاصی در باره /بولبابه دانست.^{۱۱} البته بسیاری از بزرگان از جمله علامه طباطبائی و استاد مطهری توبه /بولبابه را مربوط به اشتباه نام برده در مشاوره بنی قریظه با وی دانسته‌اند،^{۱۲} هر چند برخی احتمال داده‌اند که خطای /بولبابه و توبه وی مربوط به تخلف از جنگ تبوک بوده و داستان مشاوره وی با بنی قریظه از اکاذیب اموی -

۱. نصر بن مزاحم المنقری، وقعة صفین، ص ۵۱۱.

۲. احمد دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۹۷.

۳. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۹.

۴. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۱۲.

۶. علی مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۱.

۷. عبدالرحمن ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۴۳.

۸. نجاح طایی، مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ، ص ۱۲۰.

۹. همان، ص ۱۲۳.

۱۰. سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱۱، ص ۲۶۰-۲۶۱.

۱۱. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۲۰۱.

۱۲. سید محمد حسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۲۸؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۵۷۱-۵۷۳.

یهودی نشئت گرفته است.^۱ با وجود این، صرف احتمال در یک موضوع، دلیل موجهی برای پذیرش یا رد آن محسوب نمی‌گردد.

۱. گفته‌اند: عدم اشاره امام علی علیه السلام در خطبه‌ها و نامه‌ها به این موضوع و نیز زیرین عوام به عنوان نفر دوم مجری فرمان کشتار، آن را سخت در معرض تردید قرار می‌دهد.^۲ بی‌تردید، حضرت علی علیه السلام همه امور را بیان نکرده‌اند و این دلیل مدعی نمی‌تواند مبنای پذیرش یا رد آن به حساب آید.

ک. می‌گویند: بنی قریظه بدون جنگ تسلیم شدند و بدون هیچ گناهی قتل‌عام شدند!^۳
 تصور می‌شود معاندان، بر اثر عداوت با اسلام، تاریخ اسلام را وارونه جلوه می‌دهند. از جمله، در ادعای اخیر، آنان زمانی گردن نهاده‌اند که هزیمت‌شان قطعی گردید.^۴ آنها در بحرانی‌ترین وضع مسلمانان، نقض عهد و خیانت کردند^۵ و نه تنها از روی اختیار تسلیم نشدند، بلکه در آن درگیری، ۲۵ روزه، چند تن از رزمندگان مسلمان را نیز به شهادت رساندند.^۶ در هیچ جای دنیا، افراد عاقل به مجرم‌ان جایزه نمی‌دهند و اغماض از خطاهای عمدی بسیار بزرگ را معقول نمی‌دانند.

به دنبال فداکاری و قاطعیت علی علیه السلام در فتح قلعه بود که آنها ناگزیر تصمیم به تسلیم گرفتند.^۷ پیروزی بر بنی قریظه به سبب مجاهدت امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز وحشتی بود که خداوند در دل آنان انداخت.^۸ یهود بنی قریظه جنگ را مقرر داشتند و تسلیم را نپذیرفتند.

آنها به همراه رهبرشان، کعب بن اسد، به سب و ناسزاگویی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پرداختند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله سپاهیان اسلام را با رهبری بزرگان صحابه اعزام فرمودند، ولی آنان فرار را بر قرار ترجیح دادند. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قهرمان مسلمانان، حضرت علی علیه السلام استعانت جستند. علی علیه السلام به سراغ آنان رفتند و پیروزی روشن و بزرگی کسب کردند؛ برخی از آنان را کشتند و برخی دیگر را به اسارت گرفتند و این مهم پس از ۲۵ روز محاصره و جنگ و گریز به سرانجام رسید.^۹

۳. فقدان سابقه‌ای مشابه در تاریخ اسلام

یکم. منحصر به فرد بودن این اتفاق در تاریخ صدر اسلام، ایرادی بزرگ شمرده شده است. گفته‌اند: در نبردی

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱.

۲. محمدعلی ایازی، تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر، ص ۱۳۸.

۳. سها، نقد قرآن، ص ۶۶۵.

۴. علی عاملی، الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ج ۲، ص ۸.

۵. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج ۶، ص ۳۱۶.

۶. احمد بن اسحاق الیعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۵۲.

۷. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۰.

۸. محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۱۳.

۹. عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۸۹.

رویارویی تعداد زیادی کشته شده‌اند؛ اما اینکه جمعی محاصره و پس از دست‌گیری جملگی اعدام شوند، در تاریخ صدر اسلام امری بی‌مانند است. آیا آن یهودیان به حدی شجاعت داشتند که در راه عقیده فاسد خویش، آن‌گونه مقاومت کنند و حاضر به گفتن شهادتین نشوند، جان شیرین خود را از دست بدهند؟

این امر کاملاً مغایر با توصیف قرآن کریم از منش قوم یهود است؛^۱ چنان‌که سیره همیشگی این قوم نیز تناسبی با آن ندارد. معمولاً در این‌گونه حالات، کشته شدن چند تن اول، دیگران را از اصرار بر آنچه در نظر دارند، منصرف می‌سازد، به‌ویژه که یهودیان تردیدی در پیامبری رسول اکرم ﷺ نداشتند و سبب مقاومت آنان فقط تعصب نژادی بود.^۲

شایان ذکر است که اولاً، نبرد مسلمانان با یهودیان خیبر، فدک و وادی القری هم پیش آمد و آنان مسلمان نشدند. همچنین برخی مفسران در تفسیر آیه ۵۷ سوره انفال، برخورد قاطع با این قبیله را به سبب عملکرد جنایت‌آمیز و نقض پیمان مکرر فرمان خداوند و به منظور درس عبرت دادن به دیگر هم‌پیمانان آنان از نقض عهد دانسته‌اند، تا احدی جرئت پیمان‌شکنی و ضربه زدن به مسلمانان را پیدا نکند.^۳

خاطر نشان می‌سازد که از دیدگاه استاد مطهری، قضیه کشتار مردان بنی‌قریظه از سنخ داستان حضرت موسی ﷺ و عبد صالح در سوره کهف است. به باور ایشان، صدور فرمان کشتن تمام مردان جنگی قبیله مزبور توسط رسول اکرم ﷺ، به باطن شریعت برمی‌گردد.^۴

دوم، از نکات نامقبول این داستان، جای‌دادن صدها اسیر مرد در خانه /سامه پسر زید و چند برابر این تعداد (زنان و کودکان)، در منزل دختر حارث است.^۵ با لحاظ اینکه وسعت خانه‌ها در آن زمان مدینه زیاد نبوده، پذیرش اسکان چند هزار انسان در دو خانه کوچک برای عقل سلیم آسان نیست. البته پذیرفتنی نبودن این مطلب منافی وقوع اصل اتفاق مزبور نیست.

سوم، بر فرض اینکه صدها تن در بازار مدینه کشته شده و به دستور پیامبر ﷺ گودال‌هایی برای این منظور در مدینه حفر کرده باشند،^۶ چرا کمترین علامتی که بر این واقعه دلالت کند، موجود نیست؟ ضمن اینکه حفر خندق علاوه بر طاقوت‌فرسایی فیزیکی، تهدیدی جدی برای سلامت عمومی شهروندان محسوب می‌شد. وانگهی، وجود خندق مهیا در بیرون مدینه و عدم لزوم تحمل ساعت‌ها دشواری انتقال صدها تن از مردان اسیر بنی‌قریظه و نکشتن آنها در محل زندگی خود یا خارج قلعه، سبب تردید جدی در صحت آن می‌شود.

۱. بقره: ۹۶.

۲. مصطفی صادقی، یهود حجاز، ص ۱۷۷.

۳. محمد طبری، جامع‌البیان، ج ۱۰، ص ۱۹.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۹، ص ۱۷-۱۸.

۵. محمد واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۱۲.

۶. همان، ص ۵۱۳.

همچنین بعید می‌نماید که در انظار عمومی و جلوی چشم زنان و کودکان، اقدام به چنان کشتار مهیبی شده باشد. انجام چنین کاری از پیامبر رحمت ﷺ و امام علی علیه السلام، شدنی نیست؛ اولیای بزرگواری که ظرایف مکارم اخلاقی را جامه عمل پوشانده و توصیه‌های زیادی در حفظ حقوق حتی ریزترین حیوانات داشته‌اند؛^۱ رهبران آیینی که رفتن به شکار برای تفریح را حرام شمرده^۲ و ذبح حیوانی مقابل حیوان دیگر را جایز ندانسته‌اند.^۳

چهارم. چنانچه این کشتار عظیم رخ داده بود، فقیهان آن را به عنوان یک مبنا مورد استناد قرار می‌دادند، درحالی‌که برعکس، مبنای آنان بر اساس آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۴ است. برای مثال، زمانی که صالح بن علی بن عبدالله بن عباس، حاکم وقت شام، بر گروهی از اهل کتاب سخت گرفت و دستور داد به محل دیگری کوچ کنند، ابو عمرو اوزاعی، که معاصر این اسحاق بود، زبان به اعتراض گشود و گفت: آشوب از سوی همه آن افراد نبوده است تا همه مجازات شوند.^۵

طبق حکم الهی، گروه زیادی به خطای چند تن مجازات نمی‌شوند. به نظر می‌رسد در قضیه بنی قریظه، تمام مردان بنی قریظه شریک جرم در خیانت بزرگ به مسلمانان بودند و بر اساس عدالت اسلامی، مجازات آنها ضروری بود. اگر برخورد نمی‌شد، چه‌بسا دیگران نیز ترغیب به انجام امثال این خیانت و ضربه به مسلمانان می‌شدند. این کیفر در عبرت‌گیری دیگران و امنیت ملی حوزه مسلمانان، به یقین تأثیرگذار بوده است.

پنجم. گفته‌اند: ناسازگاری این داستان با عقل و عرف از دیگر نکات شک‌برانگیز آن است. از منظر برخی محققان، تعداد کل جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ - اعم از غزوها و سریه‌ها - بر پایه اقوال گوناگون، ۷۴ فقره بوده است. متوسط مجموع کشته‌های دوطرف در ۷۳ جنگ و مأموریت نظامی (غیر از بنی قریظه)، ۵۴۰ تن است. این در حالی است که گستره و اهمیت نبرد بنی قریظه از بسیاری از غزوه‌های دیگر کمتر بوده است.^۶ در صورت گزینش بالاترین آمار، تعداد کشته‌های دوطرف، به ۱۷۲۴ تن می‌رسد.^۷

از سوی دیگر، عدم مجازات مرتکبان خیانت بزرگ، مغایر عقل و عرف و نیز شرع مقدس است. اگر مسلمانان در جنگ احزاب مغلوب می‌شدند، دشمنان اجازه حیات، حتی به یک نفرشان هم نمی‌دادند.

ششم. گفته‌اند: تردید معقول دیگر، تأمل در واقعیتی تلخ است. با روی کار آمدن معاویه، به‌دستور حکومت اموی، تاریخ‌نویسان و شاعران بنا را بر تحقیر انصار و اهالی مدینه گذاردند. داستان جنگ‌های دوره پیامبر ﷺ نیز دست‌کاری

۱. ابوالقاسم مقیمی، حقوق حیوانات در اسلام شگفتی‌های حقوقی اسلام در برخورد با حیوانات، ص ۱۰۳-۲۵۷.

۲. محمد بن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۸، ص ۳۶۱.

۳. نجم‌الدین حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۳، ص ۹۱۴.

۴. فاطر: ۱۸.

۵. احمد بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۶. علی اکبر علیخانی و همکاران، سیاست نوی؛ مبانی، اصول و راهبردها، ص ۲۸۵.

۷. حسین عبدالحمیدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ص ۲۸۳.

گردید. احتمال می‌رود داستان بنی قریظه را هم این گونه جعل کردند تا بگویند پیامبر خزر جیان را محترم‌تر از اوسیان می‌دانست و رئیس قبیلهٔ اوس جانب هم‌پیمانان خود را نگرفت.^۱

این در حالی است که رفتار پیامبر اکرم ﷺ از آغاز ورود به مدینه، چنان بود که جانب هر دو طرف را به یک اندازه رعایت می‌کردند. بدین‌روی، بعید به نظر می‌رسد که میان این دو گروه، تبعیضی قایل شده باشند؛ یعنی تقاضای عفو خزر جیان در حق یهودیان بنی‌نضیر را اجابت کنند، ولی درخواست عفو اوسیان در حق بنی‌قریظه را نپذیرند.

از این نگاه، بعضی از بازماندگان مسلمانان مدینه، که از راویان این داستان بوده‌اند، در صدد تجلیل بزرگان خود بوده‌اند. موضوع قضاوت سعد بن معاذ علیه بنی قریظه و حمایت رسول خدا ﷺ، هم احتمالاً ساخته و پرداختهٔ نسل بعدی بوده و از فرزندان سعد نقل شده است.^۲

در جواب این مطلب، باید گفت: احتمال جای علم را نمی‌گیرد؛ ضمن اینکه ادلهٔ گوناگون حاکی از مجازات آنان است.

هفتم. گفته‌اند: دیگر نکتهٔ عقلی تأمل‌زا تردید در آمار بالای کشته‌های این قصه است. بعضی مورخان تعداد مردهای مسلمان را ۷۰۰ تن،^۳ و برخی محققان با ذکر شواهد، تعداد جنگ‌جویان مسلمان را بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تن، دانسته‌اند.^۴ بعضی نیز آمار زنان و بچه‌های اسیر بنی‌قریظه را ۷۵۰ تن گفته‌اند.^۵ اگر رقم رزمندگان مسلمان بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تن بوده باشند، بسیار بعید می‌نماید آمار مردان بنی‌قریظه را (که یکی از گروه‌های متعدد ساکن مدینه بوده‌اند) برابر آنان بدانیم.

چنانچه تعداد مردان بالغ بنی‌قریظه، ۹۰۰ تن باشند، این تعداد به تقریب، نشانهٔ ۴۰۰۰ انسان یا بیشتر است. در آن روزگار، در مدینه و پیرامون آن، چند هزار نفر زندگی می‌کردند که تنها ۴۰۰۰ تن، در آبادی‌های بنی‌قریظه، ساکن باشند؟ به‌ویژه آنکه ابن‌ابی‌الحدید شمار هر سه قبیلهٔ یهودی مدینه را اندک و کم‌اهمیت، دانسته است.^۶

وانگهی، بنی‌قریظه در برابر بنی‌نضیر، ضعیف بودند و مورد ستم واقع می‌شدند. گاهی به پیامبر اکرم ﷺ پناه می‌آوردند و مقتولی از این قبیله، نصف مقتول بنی‌نضیر دیه داشت. بدین‌سان، باید تعداد بنی‌قریظه، کمتر از بنی‌نضیر بوده باشند.^۷ اگر تمام مردان بنی‌قریظه را کشته بدانیم، آمار آنها قریب ۱۲۰ تا ۱۵۰ تن تخمین زده می‌شود.^۸

۱. سیدجعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۸۹؛ زبیر ابن‌بکار، الأخبار الموفقیات، ص ۳۳۳.

۲. رک: عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰.

۴. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۹، ص ۱۸۱.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۵۳.

۶. عبدالحمید ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۷۲.

۷. محمد طبری، جامع‌البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

۸. مصطفی صادق، یهود حجاز، ص ۱۹۰.

هشتم. از دیگر امور تأمل برانگیز در پیشگاه عقل، تشابه با چند حادثه مشابه در تاریخ یهود است که طی هر کدام چندصد یهودی کشته شده‌اند. می‌توان این گزارش را نسخه‌ای از همان نقل‌های کهن دانست. ولید عرفات ضمن مقایسه جزئیات داستان بنی قریظه با داستان «ماسادا» (از داستان‌های قدیمی در تاریخ یهود) نتیجه می‌گیرد که بازماندگان یهودی داستان ماسادا را با داستان بنی قریظه آمیخته‌اند.^۱

در منابع اسلامی و یهودی، به چندین رویداد برمی‌خوریم که در آن تعداد زیادی از این قوم با وضعیتی مشابه، نفع شده‌اند:

الف. در نقشه‌ای حساب شده، ۱۰۰ تن از اشراف یهود به تحریک مالک بن عجلان خزرجی و توسط ابوجبیله غسانی در یثرب کشته شدند.^۲ مورخی دیگر با قدری تفاوت در نقل، مقتولان را ۳۵۰ تن دانسته است.^۳

ب. در رویدادی دیگر، همین مالک توانست ۸۰ تن از اشراف یهود را معدوم سازد. طبق این روایت، یهودیان تصویر مالک را در کنیسه‌ها نصب کردند و هنگام ورود به معبد، او را لعن می‌کردند. بدین‌سان، یهود از قدرت و شوکتی که داشت به زیر آمد.^۴

ج. یوسیفسوس در مهم‌ترین تألیف خود جنگ یهود، به حوادث متعددی از قتل‌عام یهودیان اشاره کرده که خود نیز در برخی از آنها حضور داشته است؛ از جمله، داستان قلعه «ماسادا» است که در زمان حمله رومیان به اورشلیم، رخ داد. در این حادثه، علاوه بر گروهی که کشته شدند، تعداد ۹۶۰ مرد و زن و بچه درون دژ، قتل‌عام گردیدند.^۵

در پاسخ کسانی که داستان کشتار بنی قریظه را کپی‌برداری از دیگر نسخه‌های تاریخی مشابه می‌دانند، می‌توان گفت: چه اشکالی دارد یهودیان به علت خصلت‌های مذموم، مثل تجاوز به حقوق دیگران و نقض عهد، بارها در زمان‌های گوناگون مجازات شده باشند؟

۴. مغایرت با سیره معصومان ﷺ

سنت قولی و فعلی معصومان ﷺ در تمام امور زندگی و از جمله، نحوه برخورد با اسیران، نمونه منحصر و راهگشای بشر در تمام اعصار است. توصیه پیامبر اکرم ﷺ احسان و نیک‌رفتاری با اسیران بود.^۶ حاصل اثربخشی این مکارم انسانی بود که مسلمانان خودشان پیاده راه می‌رفتند و اسرا را بر مرکب‌ها سوار می‌کردند.

۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه: <http://www.hawzah.net>

۲. محمد بن حبيب بغدادی، اسماء المقتالین من الأشراف فی الجاهلیة و الاسلام، ص ۵۸-۵۹.

۳. مطهر بن طاهر مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۴. ابوالفرج علی اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۷.

۵. مصطفی صادق، یهود حجاز، ص ۱۸۱.

۶. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۵۱؛ اسماعیل ابن کثیر، البیایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۳۱.

علاوه بر این، هنگام صرف غذا، اسیران را بر خود ترجیح می‌دادند.^۱ قرآن کریم نیز مهر تأیید بر سخن اخیر نهاده است^۲ و حضرت علی علیه السلام بر نیکی به قاتل اسیر خود سفارش اکید می‌کند.^۳

۱. گفته‌اند: پذیرش کشتار جمعی بنی قریظه، مغایر با سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله در برخورد کریمانه با اسرای جنگی است.^۴ وانگهی، مغایر برخوردی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهودیان مجرم و پیمان شکن، چه قبل از برخورد با بنی قریظه و چه بعد از غائله آنان داشتند، چنان که خطاب به گروه اخیر فرمودند: دشمنی تان با خدا و رسول باعث نمی‌شود که بیش از آنچه با دوستان تان رفتار کردم، با شما رفتار نمایم. به‌رغم افراط آنها در دشمنی، تنها حکم تبعیدشان صادر گردید.^۵

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بنده مطیع خداوند بود.^۶ مهرورزی ایشان شامل همه بشر^۷ و رحمتی برای تمام جهانیان می‌شد؛^۸ چنان که سفارش فرمود: با اسرای بنی قریظه با احسان و نیکی رفتار شود.^۹

در پاسخ گفته می‌شود: تردیدی در مکارم اخلاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز مهرورزی ایشان با دوست و دشمن وجود ندارد؛ ولی مجازات خائن، خود مکرمات اخلاقی و از جلوه‌های رحمت و نمود «اشدء علی الکفار»^{۱۰} در موضع عقوبت محسوب می‌گردد.

۲. رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه آدم‌کشی، بلکه ابلاغ دین است. شیوه بلیغ ایشان نیز تقویت نیروی تفکر و اندیشه مردم همراه با رحمت و مهرورزی بوده است. خداوند ایشان را به مدارا امر فرموده و از خشونت برحذر داشته است، جز به‌گاه ضرورت که ملزم به اعمال حداقلی آن بودند.^{۱۱} به‌لحاظ ابتدای دعوت بر هدایت فکری و نیاز آن به محیطی آرام و دور از خشونت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام اهتمام خویش را مصروف ایجاد فضایی آرام و همراه با صلح و صفا ساختند. شاهد مثال آن معاهده‌های ایشان با یهود و غیر یهود است.^{۱۲}

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ و صلح، بر مبنای عطفوت به عموم انسان‌ها و از جمله رأفت با مشرکان و یهودیان

۱. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

۲. دهر: ۹.

۳. محمد طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۲۶۸.

۴. تقی‌الدین احمدین علی مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۳۱۶.

۵. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ص ۲۱۶.

۶. اسراء: ۱.

۷. کهف: ۶.

۸. انبیاء: ۱۰۷.

۹. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۱۰. فتح: ۲۹.

۱۱. ر.ک: نحل: ۱۲۵-۱۲۶؛ محمدحسین مهوری، خشونت آخرین راهکار اسلام، ص ۸۳.

۱۲. همان، ص ۸۵ و ۸۸.

بوده است.^۱ ایشان همواره بخشش را بر انتقام مقدم می‌داشتند. منس ایشان در مکه و مدینه یکسان بود، جز اینکه در مدینه، موانع نشر دعوت حق را با قدرت نظامی برطرف می‌ساختند.^۲ سیره روشن و پرمهر مدیریتی آن جناب، مؤید این مهرورزی است.^۳ پاسخ قبلی از این ایراد هم کفایت می‌کند.

۳. از قول محمد بن کعب قرظی گفته‌اند: هر نوجوانی که در بلوغ وی مردد بودند، به موی زهارش نظر می‌افکندند؛^۴ چنان که نام‌برده دلیل زنده ماندن خود را نرویدن موی زیر ناف می‌شمارد.^۵ این در حالی است که وی متولد سال چهلیم هجری است.^۶ جالب آنکه انجام این اقدام ناروا را تحت اشراف رسول اکرم ﷺ می‌شمرند^۷ که الگوی مکارم اخلاقی برای تمام بشر است.^۸

همچنین کشتار بی‌رحمانه مردان اسیر بنی قریظه را به کسی نسبت داده‌اند که دوست و دشمن در کمالات انسانی و از جمله حیای بی‌مثال‌اش در شگفت‌اند؛ چنان که در نبرد احزاب در مصاف عمرو بن عبود، با کشف عورتی که این قهرمان مشرک به وقت فرود ضربت کاری امام علی ﷺ از خود بروز داد، آن حضرت روی خویش را از وی برگرداندند.^۹

داستان معروف حیای علی ﷺ از کشف عورت عمرو بن عاص و روی گردانی از وی در نبرد صفین، شاهد مثال دیگری است.^{۱۰} نیز حیای امام علی ﷺ از کشف عورتی که بسیرین ابی‌ارطاة در جنگ صفین از خود نشان داد و روی گردانی حضرت از وی نمونه‌ای دیگر از سجایای اخلاقی فراوان آن حضرت است.^{۱۱}

میخائیل نعیمه، نویسنده معاصر مسیحی لبنانی، درباره مکارم اخلاقی آن امام، می‌گوید: علی تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا قهرمان بود؛ در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی، حرارت ایمان، آرامش شکوهمند، یاری مظلومان، تسلیم حقیقت بودن در هر نقطه و هر جا که رخ بنماید. او در همه این میدان‌ها قهرمان بود.^{۱۲}

۱. آل عمران: ۱۵۹؛ انبیاء: ۱۰۷.

۲. محمدحسین مهری، خشونت آخرین راهکار اسلام، ص ۸۴.

۳. ر.ک: مصطفی لدشادتهرانی، سیره نبوی «منطق عملی» سیره مدیریت، ص ۴۱-۶۰۶.

۴. محمد واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۱۷.

۵. یحیی عامری حرضی، بهجة المحافل و بغیة الأمائل فی تلخیص السیر و المعجزات و الشمائل، ج ۱، ص ۲۷۵.

۶. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱۲، ص ۱۲۴.

۷. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۴.

۸. قلم: ۴.

۹. محمد حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۵، ح ۳۳/۴۳۲۹.

۱۰. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۱۱. محمد ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۱۲. جورج جرداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، مقدمه، ص ۲۰.

به قول یکی از فرزندانگان، تاریخ انبیا و سیره پیامبر ﷺ تاریخ ناپلئون و هیتلر نیست. سیره ایشان بر عقاید و موضع گیری مردم تأثیر می گذارد. اینکه در متون بیاید امیرمؤمنان ﷺ مرتکب فلان معصیت شدند، اگر بخواهیم با تاریخ صرف با آن برخورد کنیم گاهی چاره‌ای جز قبول نداریم، ولی به راحتی می‌توانیم با علم کلام آن را رد کنیم.^۱ این محقق درباره لزوم بررسی اخبار تاریخی می‌نویسد: در بیشتر منابع تاریخی، سخن از این است که مسلمانان در بدو ورود پیامبر ﷺ به مدینه این شعر را خواندند: «طلع البدر علينا من ثیبات الوداع»، و حال آنکه «ثیبات الوداع» در راه شام است، نه در مکه. وی با استفاده از علم جغرافیا، این گزارش مشهور تاریخی را رد می‌کند. اما اگر بنا بود به تاریخ اکتفا شود، چون منقول ابن اسحاق است، چاره‌ای جز قبول نداشتیم.^۲

ایشان بر همین منوال، استفاده از انساب، تراجم، تفسیر، علم نزول قرآن و دیگر علوم اسلامی را لازم می‌شمارد تا ما تاریخ را آن گونه نقل کنیم که به واقعیت نزدیک‌تر باشد.^۳ بدین‌روی، نگارنده مدعی صحت تمام روایات تاریخی نیست، ولی کشتار مردان جنگی بنی‌قریظه را هم انکار نمی‌کند.

۵. استناد قرآنی

یک. گفته‌اند: در قرآن کریم هیچ اشاره‌ای به کشتار جمعی بنی‌قریظه نشده است. در صورت وقوع حادثه‌ای با آن اهمیت، علی‌القاعده باید برای عبرت دیگران بیان می‌شد. دو آیه سوره احزاب (۱۰ و ۱۳) با اشاره و دو آیه آن (۲۶-۲۷) نیز مستقلاً به بنی‌قریظه اختصاص دارد.^۴ در آیه بیست و ششم می‌خوانیم:

«وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَافِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا»^۵ خداوند گروهی از اهل کتاب را، که از آنها (مشرکان عرب) حمایت کردند، از قلعه‌های محکمشان پایین کشید و در دل‌های آنها رعب افکند (کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید.

مفسران نوعاً، معنای «فَرِيقًا تَقْتُلُونَ» را کشتار مردان و «تَأْسِرُونَ فَرِيقًا» را اسارت زنان و کودکان دانسته‌اند. از نگاه بعضی محققان، تقدیم «فَرِيقًا» بر «تَقْتُلُونَ» و تأخیر «فَرِيقًا» دوم بر فعل «تَأْسِرُونَ» نشان می‌دهد که «تَقْتُلُونَ» نه بر عموم مردان، بلکه بر افراد سرشناس از مردان و رهبران بنی‌قریظه دلالت دارد و در تعبیر دوم نیز، که «تَأْسِرُونَ» تقدم یافته، تأکید مطلب بر اسارت (مردان) است.^۶

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، شبهات یهودی، ص ۸۴

۲. همان.

۳. همان، ص ۸۴

۴. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۷۱.

۵. احزاب: ۲۶.

۶. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

در آیهٔ بعدی، «الذین ظاهروهم» را باید تنها کسانی بدانیم که پیمان شکنی کردند و در مقابل مسلمین ایستادند. بدین سان، دو دستهٔ مقتول و اسیر از میان آنان بودند؛ زیرا «تأسرون» با اسارت مردان تناسب دارد و برای اسارت زنان از واژهٔ «سبایا» استفاده می‌شود. هر چند بعضی به اشتباه، «تأسرون» را بر زنان و کودکان حمل کرده و «قتلون» را به مردان نسبت داده‌اند.^۱

بدین روی، گفته‌اند: در ماجرای بنی قریظه، از اشخاص معینی نام برده شده که به اقتضای شرع و عقل، باید همان‌ها کشته می‌شدند. از این منظر، تنها همان چند نفری مشمول مجازات اعدام گردیدند که رهبری ماجرا را برعهده داشتند.^۲

در پاسخ گفته می‌شود: آیا لازم نبود رسول خدا ﷺ پس از دو بار رفتار نرم با یهود، این بار که توطئه خطرناک‌تر بود، خشونت دینی را نیز نشان دهد؟ آیا «عدل»، به مفهوم گذاشتن هر چیزی در جای خودش نیست؟ عفو در موضع غضب نارواست، و این خشونت، افزون بر سران، شامل دیگرانی نیز می‌تواند باشد که سران را یاری کردند و تا انتهای امر، لجاجت ورزیدند.

بعضی سبب نزول آیهٔ ۵۸ سورهٔ انفال را خیانت قبیلهٔ بنی قریظه دانسته‌اند.^۳ طبرسی، حکم سعد بن معاذ را کشتن مردان و به اسارت گرفتن بقیه دانسته است.^۴

شیخ طوسی سبب نزول آیات ۵۵-۵۶ سورهٔ انفال را پیمان شکنی یهود بنی قریظه دانسته است که عهد با رسول خدا ﷺ را نقض کردند. مشرکان مکه را در جنگ احزاب با سلاح یاری دادند و عهد شکنی آنان مکرر اتفاق افتاد.^۵ طبرسی در یک قول، همان نظر پیشین را یادآور شده است.^۶

بیضاوی درست مثل صاحب تفسیر تبیان، نظر داده است.^۷ احمد میبیدی قولی را در خصوص سبب نزول آیات مزبور، این گونه بیان می‌کند:

گفته‌اند: در شأن یهود بنی قریظه آمد که عهدی با رسول خدا داشتند، نقض کردند و مشرکان مکه را به سلاح یاری دادند بر قتال مصطفی و یاران. پس پشیمان شدند و عذر خواستند و گفتند: نسینا و اخطاننا، و دیگر باره با مصطفی عهد کردند و روز خندق باز پیمان بشکستند دیگر بار نقض عهد کردند.^۸

قرطبی نیز شأن نزول آیات مورد اشاره را دو قبیلهٔ بنی نضیر و بنی قریظه دانسته و همان مطالب پیشین را آورده

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۲. نجاح طایی، مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ، ص ۱۲۱.

۳. غازی حسین عنایه، اسباب النزول القرآنی، ص ۲۲۰.

۴. فضل بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۴۳.

۶. محمد طبری، جامع‌البیان، ج ۴، ص ۸۴۹.

۷. عبدالله بن عمر بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۶۴.

۸. احمد بن محمد میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۴، ص ۶۸.

است. سید حیدر *آملی* نیز نقض پیمان مکرر توسط بنی قریظه و یاری مشرکان در جنگ خندق را سبب نزول آیات مزبور دانسته است.^۱

دو مبانی قرآن و عدالت اسلامی با کشتار جمعی سازگار نیست.^۲ در این گونه موارد، حکم اسلام تنها متوجه مجازات مسئولان فتنه است. وانگهی، کشتار جمعی مردان بنی قریظه با حکم قرآنی اسیران جنگی نیز منافات دارد؟ چنان که فرمود: «یا منت گذاشته، آزادشان کنید، یا از آنان فدیة بگیریید» (محمد: ۴)؛ اما در این داستان، ادعا می‌شود ۹۰۰ تن اسیر گردن زده شدند.^۳

بیشتر شبهات این قصه توسط مستشرقان مطرح شده است.^۴ به باور شهید مطهری، خاورشناسان نوعاً به علل گوناگون، از جمله عدم مراجعه به منابع دست اول، بدفهمی اصطلاحات و مفاهیم دینی، رسوب تعصبات فکری، نقدها و داوری‌های غیراصولی، اظهارنظرهای بدون دلیل و احیاناً سوءنیت و غرض‌ورزی، از روح تحقیق علمی و دست‌یازیدن به بسیاری از حقایق دینی و اطلاعات صحیح مشرق زمین بازمانده‌اند.^۵

جهان اروپایی، اعم از مسیحیت و یهودیت، در طول قرن‌های متمادی، به اسلام با دید خصمانه و از روی باورهای عامیانه و وهمی نگریسته و عقاید اسطوره‌گونه‌ای دربارهٔ این آیین و پیام‌آورش داشته است.^۶

نکتهٔ دیگر اینکه زنان و کودکان اسیر بنی قریظه به استناد بعضی مورخان، در شام و نجد به فروش رسیدند.^۷ به نقل برخی دیگر، آنها را بین مسلمانان تقسیم کردند.^۸ اما به استناد روایت مضبوط در *کنز العمال*، بازماندگان بنی قریظه از مدینه کوچانده شده و به شام رفته‌اند.^۹

بدین‌روی، در قبول یا انکار وقایع تاریخ اسلام، از جمله نبرد بنی قریظه، معیاره، رسیدن به واقع امر است و نباید تحت تأثیر هجمهٔ تبلیغاتی دشمنان قرار گرفت. برخوردهای پیامبر ﷺ با یهودیان همواره به سبب پیمان‌شکنی آنها، بوده است.^{۱۰} شرط مسلمانی تسلیم بودن در برابر حق و احکام الهی است، هر چند به مذاق معارضان خوش نیاید.

۱. سیدحیدر آملی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخصم، ج ۵، ص ۳۳۹-۳۴۰.

۲. فاطر: ۱۸؛ انعام: ۱۶۴.

۳. رفیع‌الدین قاضی‌برقوه، سیرت رسول‌الله، ج ۲، ص ۷۵۶.

۴. منتسکیو، روح القوانين، ص ۶۷۱.

۵. محمدتقی دیری‌بیدگی و محمدهادی مفتح، شرق‌شناسی یا اسلام‌ستیزی؟ نگرشی به جریان استشراق، ص ۶۳-۶۴.

۶. عبدالرحمان بدوی، دفاع عن محمد ﷺ ضدالمنتقصرین من قدره، ص ۵؛ جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۱۴۷-۱۶۸.

۷. محمد الواقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۸. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۲۴۴.

۹. علاء‌الدین متقی هندی، کنز‌العمال، ج ۱۰، ص ۴۵۸، ح ۳۰۱۰۹.

۱۰. فیلیپ کی. هیتی، تصویری از پیامبر اسلام ﷺ در دائرةالمعارف امریکانا، ص ۱۲۴.

نتیجه گیری

بر اساس دیدگاه بسیاری از مفسران و محققان مسلمان، تناقض روایات و اخبار حادث شده، داده‌های قرآنی و مبانی دینی، سیره پیامبر اکرم ﷺ و امام علیؑ، شواهد عدیده تاریخی و عقلی، و تناقض گزارش تعداد مقتولان، کشتار مظلومانه و بدون گناه صدها تن از یهود بنی قریظه مردود است. مردان جنگی قبیله موصوف، پس از چند بار نقض عهد، کمک به مشرکان در نبرد احزاب و مقابله نظامی با سپاه اسلام، بعد از مغلوب شدن، بر اساس قانون عدل اسلامی اعدام شدند. منتها، نه آمارهای مبالغه‌آمیز از تعداد بالای آنها درست است و نه بی‌سبب و بدون گناه کشته شدن آنها واقعیت تلخ دستبرد حاکمان ستمگر اموی به یاری عالمان یهودی مسلمان‌نمای درباری و دیگر کافران معاند به بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های اسلامی، قابل انکار نیست؛ چنان‌که کشف بیش از ۱۵۰ صحابی ساختگی توسط محققى توانا و مسلمان نمونه‌ای گویا از دست‌کاری دشمنان در تاریخ اسلام است. به‌نظر می‌رسد تأمل در مطالب مزبور، برای اثبات نادرستی بزرگ‌نمایی، ظالمانه شمردن کشتن خائنان و مظلوم خواندن یهودیان بنی‌قریظه با استناد به برخی گزارش‌های تاریخی کفایت می‌کند. ایادی ناتوی فرهنگی دشمنان قرآن در عصر کنونی با سوء استفاده از این زمینه‌های ناروا، از یک‌سو، پیوسته و بی‌پروایان مخرّب دین‌زدا به فکر و دل جوانان مسلمان می‌فرستند، و از دیگر سوی، غیرمسلمانان را به اسلام و قرآن بدبین می‌کنند. دشواری درک درست تاریخ اسلام و سیره شریف نبوی ﷺ به سبب روایاتی است که به ناروا، وارد سنت رسول اکرم ﷺ شده است.

منابع

- ابن الوزير، محمد، *العواصم والقواصم فی الذب عن سنه أبي القاسم*، تحقیق شعیب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیتاله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن ابی یعقوب، احمد، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارالعراق، ۱۳۷۵ق.
- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن اعثم کوفی، محمد، *الفتوح*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.
- ابن بکار، زبیر، *الأخبار الموقفیات*، قم، شریف الرضی، ۱۴۱۶ق.
- ابن حبان، محمد، *دائرة المعارف الثمانیة بحیدرآباد الدکن*، هند، مطبعة مجلس، ۱۳۹۳ق.
- ابن حبیب بغدادی، محمد، *اسماء المغانم من الأشراف فی الجاهلیة والاسلام*، بیروت، دارالکتب العلمیة ۱۴۲۲ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، *تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس*، عمان، مكتبة المنار، ۱۴۰۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق.
- ابن حزم، علی، *جمهرة انساب العرب*، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۷۸ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۶۳.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأکبر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابن زنجویه، حمید، *الأموال*، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۷ق.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۰ق.
- ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب ابی ابی طالب*، قم، علامه، بی تا.
- ابن طاهر مقدسی، مطهر، *البدء والتاریخ*، مصر، مكتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
- ابن عبدالبر، یوسف، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، قاهره، نهضة المصر، بی تا.
- ابن عساکر، علی، *تاریخ دمشق*، بیروت، دارالفکر للطباعة، ۱۴۱۵ق.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله، *الإمامة والسیاسة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۰ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن، *البدایة والنهاية*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن وراق، *اسلام و مسلمانی*، ترجمه مسعود انصاری، واشینگتن، بی تا، ۱۳۷۸.
- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبویة*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی، *الاعانی*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
- ابوعبید، قاسم، *الأموال*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- اسرائیل ولفسون، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدرالاسلام*، قاهره، مطبعة الاعتماد، ۱۳۴۵ق.
- یازی، محمدعلی، «تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر»، *پژوهش های قرآنی*، ۱۳۹۱، ش ۷۱، ص ۱۲۰-۱۴۳.
- آرمسترانگ، کارن، محمد ﷺ *زندگی نامه پیامبر اکرم*، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران، حکمت، ۱۳۸۳.

- الوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- املی، سید حیدر، *تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- بدوی، عبدالرحمن، *دفاع عن محمد ﷺ ضد المتقصرین من قدره*، ترجمه کمال جادالله، قاهره، الدار العالمیه للکتب والنشر، بی تا.
- بلاذری، احمد، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- بیهقی، احمد، *دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب لشریعه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
- جباری، محمدرضا (ناقد)؛ فیلیپ کی. هیتی (نویسنده)؛ عبدی، حسن (مترجم)، «تصویری از پیامبر اسلام ﷺ در دائرة المعارف امریکانا»، *شبهه شناسی*، ۱۳۸۳، ش ۵، ص ۱۲۴.
- جدیدبنات، علی، *تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا ﷺ*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹ م.
- جورج جرداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، بیروت، دارالاندلس، ۲۰۱۰ م.
- حاکم نیشابوری، محمد، *مستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
- حراملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت، لایحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
- حسن ابراهیم، *تاریخ الاسلام*، قاهره، مکتبه النهضة النصریه، ۱۹۶۴ م.
- حلی، علی بن ابراهیم، *السیره الحلیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
- حلی، نجم الدین، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ ق.
- خلیفه، بن خیاط، *تاریخ خلیفه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- دلشادتهرانی، مصطفی، *سیره نبوی «منطق عملی» سیره مدیریت*، تهران، دریا، ۱۳۸۵.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی و محمدهادی مفتح، *شرق شناسی یا اسلام سبتیزی؛ تکرشی به پدیده استشرق و آرای خاورشناسان در اندیشه و آثار علامه شهید مرتضی مطهری*، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۵.
- دینوری، احمد، *الأخبار الطوال*، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۸.
- دیون پورت، جان، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸.
- دیوید دوک، *برتری طلبی قوم یهود*، ترجمه مصطفی حسامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- ذهبی، محمد، *الکاشف فی معرفه من له روایة فی الکتب السنه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ ق.
- سبحانی، جعفر، *مشهور جاوید*، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۵.
- سفاف، حسن، *تناقضات الالبانی الواضحات فیما وقع له فی تصحیح الاحادیث و تضعیفها من اخطاء و غلطات*، عمان، دارالامام النووی، ۱۳۷۱ ق.
- سها، *نقد قرآن*، بی تا، بی جا، ۱۳۹۱.
- سیوطی، جلال الدین، *أسماء المدلسین*، بیروت، دارالجیل، بی تا.
- شهیدی، سیدجعفر، *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

صادقی، مصطفی، «رفقار پیامبر ﷺ با پیروان دیگر ادیان»، *هفت آسمان*، ۱۳۷۵، ش ۳۲، ص ۵۵-۹۸.
—، *یهود حجاز*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

طایبی، نجاح، *مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ*، تهران، دارالهدی لاحیاء التراث، ۱۳۸۲.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام‌الوری باعلام‌الهدی*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

—، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

طبری، محمدبن جریر، *تاریخ‌الأمم و الملوک*، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.

—، *جامع‌البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

—، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

—، *المسوط فی فقه الامامیه*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، مکتبه المریضی، ۱۳۸۷ق.

عابدی، محمد، «کارشنکی‌های یهود در مضاف با حکومت نبوی»، *فرهنگ کوثر*، ۱۳۸۱، ش ۵۰، ص ۱۷-۳۶.

عامری حررضی، یحیی، *بهجة المحافل و بغية الأماثل فی تلخیص السیر والمعجزات والشمال*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ*، بیروت، دارالسیره، ۱۴۱۹ق.

—، *شبهات یهودی*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.

عاملی، علی، *الصراط‌المستقیم الی مستحق‌التقدیم*، نجف اشرف، کتابخانه حیدریه، بی‌تا.

عبدالمحمدی، حسین، *مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ*، قم، مرکز المصطفی، ۱۳۹۴.

عسکری، سیدمرتضی، «آیات شیطانی» ادامه ستیز فرهنگی میان اسلام و دشمنان آن، ترجمه حمیدرضا آژیر، *مشکات*، ۱۳۶۹، ش

۲۶، ص ۸-۴۷.

عسکری، سیدمرتضی، *خمسون و مائة صحابی مختلق*، قم، التوحید للنشر، ۱۴۱۴ق.

علیخانی، علی اکبر و همکاران، *سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راهبردها*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت

علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶.

علی‌ناصر، «العنف‌الدینی فی سیاسة‌الجهاد: دراسة تاریخیة فقهیة تحلیلیة فی وقائع غزوة بنی قریظة (۱)»، *الإجتهد والتجدید*، ۲۰۰۷،

ش ۸، ص ۱۵۹-۱۷۸.

عنايه، غازی حسین، *أسباب النزول القرآنی*، بیروت، دارالجليل، ۱۴۱۱ق.

فضل‌الله، سیدمحمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالمالک، ۱۴۱۹ق.

قاضی ابرقوه، رفیع‌الدین، *سیرت رسول‌الله*، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.

قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.

قمی، علی‌بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.

گارودی، روژه، *تاریخ یک ارتداد*، ترجمه مجید شریف، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.

متقی هندی، علاء‌الدین، *کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

محموظ، محمدجمال الدین، «غزوة بنی قریظه» لا تقطعن ذنب الأفعی و تترکها»، *الزهر*، ۱۳۷۴ق، ج ۲۶، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۹۸۱-۹۸۳.

مریم جمیله (مارگرت)، *خاورشناسی و توطئه خاورشناسان*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی (۲)، قم، کلبه شروق، ۱۳۹۱.

مسعودی، علی، *مروج الذهب*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.

مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.

—، *یادداشتها*، تهران، صدرا، ۱۳۹۱.

مغنیه، محمدجواد، *فی ظلال نهج البلاغه محاولة لفهم جدید*، بیروت، دارالعلم، ۱۹۷۹م.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل*، تحقیق شحاته عبدالله محمود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

مقدادی، فؤاد کاظم، *الاسلام و شبهات المستشرقین*، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۶ق.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *إمتاع الأسماع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

مقیم، ابوالقاسم، *حقوق حیوانات در اسلام شگفتی های حقوقی اسلام در برخورد با حیوانات*، قم، نور سجاد، ۱۳۸۷.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *پیام امام امیرالمؤمنین: شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.

—، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

منتسکیو، *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۹.

منتظرالقائم، اصغر، *تاریخ اسلام (تا سال چهارم هجری)*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۱.

منقری، نصرین مزاحم، *وقعه صفین*، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثه، ۱۳۸۲ق.

موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم، ۱۳۷۲.

مونتگمری وات، ویلیام، *محمد فی المدینه*، بیروت، المكتبة العصریه، ۱۹۸۵م.

مهودی عباس آباد، محمدرضا، «فرجام کار قبیله یهودی «بنی قریظه» و بررسی شبهات مربوط به آن»، *علامه*، ۱۳۸۰، دوره اول، ص ۲۰۷-۲۲۰.

مهوری، محمدحسین، «خشونت آخرین راهکار اسلام»، *رواق اندیشه*، ۱۳۸۲، ش ۱۶، ص ۸۱-۱۰۰.

میبدی، احمدبن محمد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.

میرشریفی، سیدعلی، «نگرشی کوتاه به غزوه بنی قریظه (۲)»، *نورعلم*، ۱۳۶۴، ش ۱۳، ص ۱۰۰-۱۱۷.

نصیری، محمد، «معرفی و نقد کتاب زندگی نامه پیامبر اکرم ﷺ»، *هفت آسمان*، ۱۳۸۵، ش ۳۲، ص ۳۶۳-۴۰۴.

واقدی، محمد، *المغازی*، بیروت، مؤسسة العلمی، ۱۴۰۹ق.

واکلی، لورا واکسیا، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، قم، کلبه شروق، ۱۳۹۱.

ولفسون، اسرائیل، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدرالاسلام*، مصر، مطبعة الإعتاد، ۱۳۴۵ق.

یعقوبی، احمدبن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

یوسفی غروی، محمدهادی، *موسوعة التاريخ الاسلامی*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، بی تا.

یوسفی غروی، محمدهادی و محمدرضا جباری، «سیره نبوی و علوی در برخورد با نفاق»، *معرفت*، ۱۳۸۰، ش ۴۰.